

بی رحمین ہزار



خلیل الرحمن خیاب

بی رحمی بزرگ

خادم الاسلام
خلیل الرحمن خباب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان : بی رحمی بزرگ
نویسنده : خلیل الرحمن خباب
تاریخ انتشار : زمستان ۱۴۰۰

ایجاد هر نوع تغییر بدون اجازه‌ی نویسنده،
مجاز نمی‌باشد و خیانت محسوب می‌گردد!

ارتباط با ما:

تلگرام: @Khademulislam

اینستاگرام: @KhabbabID

واتساپ و ایمو: +۹۳۷۰۲۸۳۷۳۰۰

یکی از دوستان پیام داد:

به نظر شما فضیلت تدریس و تعلیم علوم دینی و قرآنی بالاتر است یا خدمت پدر و مادر؛ آن‌هم زمانی که والدین به کهن‌سالی رسیدند و سخت نیازمند خدمت هستند؟

گفتم: اجازه هست سؤال‌تان را با یک سؤال جواب دهم؟
گفت: بله، بفرمایید!

گفتم: به نظر شما فضیلت جهاد در راه خدا بالاتر است یا تعلیم علوم دینی و قرآنی؟
گفت: مشخص است که جهاد در راه خدا.

گفتم: پس به این روایت توجه فرمایید؛ از عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنه روایت شده که می‌گوید:

«مردی نزد رسول‌الله صلی الله علیه و آله آمد و از ایشان اجازه شرکت در جهاد خواست، آن حضرت صلی الله علیه و آله پرسیدند: آیا پدر و مادرت زنده‌اند؟
گفت: آری! آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: «فَفِيهَا فَجَاهِدْ»؛ «پس در خدمت به آن‌دو تلاش (و جهاد) کن».

از این حدیث مشخص می‌گردد که گاهی خدمت والدین از جهاد در راه الله متعال هم فضیلت بیشتری دارد.

[فتح الباری شرح صحیح البخاری، ابن حجر عسقلانی: ۱۴۰/۶]

همچنین دین اسلام تبخّر و آگاهی در امور دینی را برای تمام افراد امت اسلامی واجب نگردانیده است؛ چنان که الله متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾

[التوبة: ۱۲۲]

«شایسته نیست مؤمنان همگی بیرون روند. چرا از هر قوم و قبیله‌ای عده‌ای نمی‌روند تا با تعلیمات اسلامی آشنا گردند و هنگام بازگشت به سوی قوم و قبیله خود، آن‌ها را بیم دهند؟! شاید (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند و خودداری کنند.»

پس نتیجه می‌گیریم که خدمت والدین از تدریس و تعلیم علوم دینی و قرآنی هم فضیلت و اهمیت بیشتری دارد.

چرا نداشته باشد؛ در حالی که الله متعال در بسیاری از آیات قرآن پس از عبادت خود، انسان‌ها را به خدمت والدین دستور داده است؛ چنان که می‌فرماید:

﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾ [النساء: ۳۶]

«و خدا را پرستید و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید و به پدر و مادر نیکی کنید».

﴿قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾ [الأنعام: ۱۵۱]

«ای پیامبر! بگو: بیاید آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است برای تان بخوانم: این که چیزی را شریک خدا قرار ندهید و به پدر و مادر نیکی کنید».

شهید علامه سیدقطب رحمته الله می‌فرماید:

«نخستین رابطه پس از رابطه عقیده، رابطه خانواده است؛ برای همین روند قرآنی نیکی به والدین را به عبادت خدا پیوند می‌دهد تا ارزش و اهمیت این خوبی و نیکی در پیشگاه پروردگار را

آشکار سازد». [فی ظلال القرآن، سیدقطب: ۴ / ۲۲۲۱]

همچنین از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت شده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

«مَا زَالَ جِبْرِيلُ يُوصِينِي بِالْجَارِ، حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُورَّثُهُ»؛

«جبرئیل همواره در مورد همسایه به من توصیه می‌کرد، تا جایی که گمان کردم همسایه از همسایه ارث می‌برد».

وقتی رعایت حق همسایه این همه اهمیت دارد، حقوق پدر و مادر چگونه خواهد بود؟!

* * *

گفت: جوانی را می‌شناسم که به تعلیم علوم دینی چسبیده و آن را خدمت به دین می‌داند و با این که والدینش به کهن‌سالی رسیدند و سخت به خدمت نیاز دارند، هیچ توجهی به آنها ندارد؛ نه با آنها تماس می‌گیرد و نه به دیدارشان می‌رود و نه نامه‌ای به آنها می‌فرستد. نه از لحاظ مادی به آنها خدمت می‌کند و نه از لحاظ معنوی. صلۀ رحم با خویشاوندان را به‌جا نمی‌آورد و به آن اهمیتی نمی‌دهد، من خبر دارم که برادرش مدتی پیش، به شدت بیمار بود و تا سرحد مرگ پیش رفت، اما این بزرگوار یک‌بار هم به عیادت او نرفت و حتی یک‌مرتبه هم نپرسید: فلانی حالت چطور است؟!

من آگاهم که پدر و مادر و برادرانش چقدر در حق او نیکی کردند و او را حمایت نمودند و به خاطر او سختی کشیدند. پس آیا این کار درست است و زحمات این بزرگوار خدمت دین محسوب می‌شود؟

گفتم: بزرگوار! همان‌گونه که در روایت بالا گذشت، رسول‌الله ﷺ خدمت به والدین را هم‌ردیف جهاد و حتی بالاتر از آن خواندند و آن مرد را از شرکت در جهاد بازداشتند. همچنین از آیات ذکر شده مشخص شد که خدمت والدین چه جایگاهی دارد. اما این که آن بزرگوار مصروفیت خود را خدمت به دین می‌خواند، من قصد ندارم تلاش‌هایش را ندیده بگیرم و او را نکوهش کنم، اما تنها همین نکته را می‌گوییم:

کسی که به آیات قرآن عمل نمی‌کند و به والدین خود توجه نکرده صلّه رحم با خویشاوندان - حتی با برادران خود - را به جا نمی‌آورد، چه چیزی را می‌خواهد به مردم تعلیم دهد و باستان چنین فردی، چگونه شاگردانی به بار می‌آیند و تربیت می‌شوند؟!

مگر این بزرگوار آیات ذکر شده را در قرآن کریم تلاوت نکرده، یا حدیث بالا را ننشیده، یا نگاهش به سوره لقمان نیفتاده است؟! پس چنین برخوردی با پدر و مادر و برادران و رعایت نکردن صله رحم با خویشاوندان، بی‌رحمی بزرگی بیش نیست.

الله متعال انسان‌ها را به برخورد نیک با پدر و مادر دستور داده و حتی از گفتن کلمه اف و هرنوع بی‌احترامی در برابر آن‌ها بازداشته است؛ چنان که می‌فرماید:

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ﴿٢٣﴾
وَاحْفَظْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلْمِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ﴿٢٤﴾﴾

[الإسراء: ۲۳ - ۲۴]

«و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. هرگاه یکی از آن‌دو، یا هر دوی آن‌ها نزد تو به سن پیری رسند، به آنان اف مگو (و کم‌ترین اهانتی به آن‌ها روا مدار) و بر آن‌ها فریاد مزین و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگوارانه به آن‌ها بگو و بال‌های تواضع خویش را از محبت و لطف، در برابر آنان

فرود آر و بگو: پروردگارا! همان‌گونه که آن‌ها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمت‌شان قرار ده.»

و در مورد صلهٔ رحم با خویشاوندان می‌فرماید:

﴿وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ﴾ [الإسراء: ۲۶]

«و حق خویشاوندان را بپرداز.»

* از عبدالله بن عمرو رضی الله عنه روایت شده که رسول‌الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

«رَضِيَ الرَّبُّ فِي رِضَى الْوَالِدِ، وَسَخَطُ الرَّبِّ فِي سَخَطِ الْوَالِدِ؛

«رضایت پروردگار در گرو رضایت پدر و مادر و ناراحتی پروردگار در گرو ناراحتی پدر و مادر است.»

[سنن الترمذی: ۱۸۹۹]

* از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده که رسول‌الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

«بینی‌اش به خاک مالیده شود، بینی‌اش به خاک مالیده شود، بینی‌اش به خاک مالیده شود»، گفته شد: چه کسی ای رسول‌خدا؟ فرمودند:

«مَنْ أَدْرَكَ وَالِدَيْهِ عِنْدَ الْكِبَرِ، أَحَدَهُمَا أَوْ كِلَيْهِمَا، ثُمَّ لَمْ يَدْخُلِ الْجَنَّةَ؛

«کسی که والدینش یکی یا هر دو را در سن پیری دریابد و (به وسیلهٔ خدمت آن‌ها) وارد بهشت نشود.»

[صحیح مسلم: ۲۵۵۱]

* از عبدالله بن عمرو رضی الله عنه روایت شده که می‌گوید:

«مردی نزد رسول‌الله صلی الله علیه و آله آمد و گفت: با شما بیعت می‌کنم که جهاد کنم و هجرت نمایم و پاداشم را از الله متعال بخواهم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: آیا یکی از پدر و مادرت زنده‌اند؟ گفت: بله، هر دو زنده‌اند. آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: و از خداوند اجر می‌طلبی؟ گفت: بله! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

«فَارْجِعْ إِلَى وَالِدَيْكَ فَأَحْسِنْ صُحْبَتَهُمَا»؛

«پس نزد پدر و مادرت برگرد و با آنها به شایستگی برخورد کن!».
[صحیح مسلم: ۲۵۴۹]

* از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده که رسول‌الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

«لَا يَجْزِي وَلَدٌ وَالِدَهُ، إِلَّا أَنْ يَجِدَهُ مَمْلُوكًا فَيَشْتَرِيَهُ فَيُعْتِقَهُ»؛

«هیچ پسری نمی‌تواند حق پدرش را ادا کند، مگر این که او را برده و غلام بیابد، پس او را خریداری کند، آن‌گاه آزادش نماید».

[سنن أبی‌داود: ۵۱۳۷]

* از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده که می‌گوید:

«مردی نزد رسول الله صلی الله علیه و آله آمد و گفت: چه کسی برای خوش رفتاری من با او سزاوارترین مردم است؟ فرمودند: مادرت! گفت: پس از او؟ فرمودند: مادرت! گفت: پس از او؟ فرمودند: مادرت! گفت: پس از او؟ فرمودند: پدرت».

[صحیح البخاری: ۵۹۷۱ + صحیح مسلم: ۲۵۴۸]

* از اسماء بنت ابی بکر رضی الله عنها روایت شده که می‌گوید:

«در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله مادرم وقتی که مشرک بود، نزد آمد، من از رسول الله صلی الله علیه و آله پرسیدم: مادرم نزد من آمده و بسیار مشتاق من است، آیا با او صلۀ رحم داشته باشم (؟ او را ببینم و با او به شایستگی برخورد کنم)؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: بله، با مادرت صلۀ رحم داشته باش!».

[صحیح البخاری: ۲۶۲۰]

* از سعید بن عمرو رضی الله عنه روایت شده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

«حَقُّ كَبِيرِ الْإِخْوَةِ عَلَى صَغِيرِهِمْ حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى وَلَدِهِ»؛

«حق برادران بزرگ بر کوچک‌های‌شان مانند حق پدر بر پسرش است».

[شعب الإیمان: ۷۵۵۳]

* از مطعم بن عدی رضی الله عنه روایت شده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:
 «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَاطِعٌ»؛

«قطع کننده رشته خویشاوندی وارد بهشت نمی شود».

[صحیح البخاری: ۵۹۸۴ + صحیح مسلم: ۲۵۵۶]

* * *

از مجموعه این آیات و روایات مشخص می شود که پدر و مادر چه جایگاه و مقام والای دارند و خدمت آن‌ها از چه اهمیتی برخوردار است.

محمد بن منکدر رضی الله عنه رخسار خود را بر زمین می نهاد و به مادرش

می گفت: «قَوْمِي ضَعِيَ قَدَمَكِ عَلَى خَدِّي»؛

«(مادر جان) بلند شو و پای خود را بر رخسارم بگذار!».

یکی از دوستانم پرسید:

چرا از موفقیت‌های زندگی‌ات این همه خوشحال می‌شوی؟

گفتم: چون پدر و مادرم خوشحال می‌شوند.

درود بی‌پایان بر سرور و سالار انبیا و آل و اصحاب جان‌نثارش!

از همین نویسندہ:

روزہای مبارک

خلیل الرحمن خباب



خلیل الرحمن خباب

اسلام
به ذات خود ندارد عیبی...!

طلاق
شوخی بردار نیست

خلیل الرحمن خباب



خود کسی نوین

خلیل الرحمن خباب

